



اصول حاکم بر گردش آزاد اطلاعات در اسلام و حقوق موضوعه

استادیار گروه فقه و حقوق واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید وزیری

کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

جبار محمدی بلبان آباد

چکیده:

امروزه دسترسی آزاد به اطلاعات از اصول تردید ناپذیر دموکراسی است که به تحقق مفهوم شهروندی کمک می کند و در اسناد معتبر بین المللی مورد تصریح قرار گرفته است.

در فقه اسلام و حقوق موضوعه ایران نیز، با تصویب قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»، این حق مورد پذیرش قرار گرفت. براساس قانون مذکور، موسسات عمومی و خصوصی، موظفند، به جز در موارد استثناء، اطلاعات مضبوط را در اختیار شهروندان قرار دهند. بر این اساس، سؤال اصلی در مقاله این است که مبانی و اصول حاکم بر انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در اسلام و حقوق موضوعه چیست؟ که با روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و براین اساس بعضی اصول به دست آمده عبارتند از: آزادی بیان، مشاوره، حق نظارت، حق آگاهی، امانی بودن اطلاعات، نهی از کتمان علم و شفافیت.

واژگان کلیدی: اطلاعات، گردش آزاد، آزادی بیان، نظارت، شفافیت.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

*مسئول مکاتبات: jabarmohammadi@gmail.com



۱- مقدمه

شهروند محوری، در معنای سهیم شدن شهروندان در عرصه‌های مختلف سیاستگذاری، اصل حاکم بر مردم سالاری می‌باشد، که براساس آن، آگاهی شهروندان از اطلاعات و اخبار دقیق، در زمینه‌های مختلف از پیش شرط‌های ضروری مشارکت آنها می‌باشد. حکومت‌ها نیز جهت تقویت پایه‌های مردم سالاری، وظیفه دارند که شرایط و امکانات لازم جهت برخورداری مردم از اطلاعات را در اختیار مردم بگذارند. در چنین فرایندی، آزادی اطلاعات و فضای باز فکری و سیاسی محقق می‌شود و سلامت ساختارهای اجتماعی و سیاسی تضمین خواهد شد.

این حق از اصول بنیادین حقوق شهروندی است که در اسناد بین المللی و قوانین بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است. برای مثال قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۶ تصریح کرده بود که: «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشر و ... سنگ بنای تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است». همچنین ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ به صراحت بیان کرده است: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران این حق با تصویب قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در تاریخ ۳۱ / ۵ / ۱۳۸۸ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد پذیرش قرار گرفته است. در ماده ۲ قانون مذکور آمده است: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد مگر آن که قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود».

براساس اصل ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی قوانین نباید با مبانی اسلام مغایرت داشته باشد؛ حال براساس اصل مذکور «گردش آزاد اطلاعات» دارای مبانی فقهی بوده است که مورد تصویب قرار گرفته است. مبنای فقهی گردش آزاد اطلاعات به عنوان یکی از مولفه‌های نظام حقوق موضوعه کشور، سبب مشروعیت دهی بیشتر به نهاد مذکور شده و درک این مساله که اسلام با احکام و مقررات زمانه انطباق دارد را افزایش می‌دهد. براساس مباحث مطروحه، مقاله در صد

پاسخگویی به این سؤال است که مبانی و اصول حاکم بر انتشار و گردش آزاد اطلاعات در اسلام و حقوق موضوعه چیست؟

با توجه به وسعت موضوع، در این مقاله سعی بر این است که ضمن بیان مبانی فقهی موضوع در حقوق اسلام، به تبیین موارد مشابه مذکور در حقوق موضوعه اعم از حقوق جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین المللی پرداخته شود.

البته آثار مرتبطی در این زمینه به نگارش درآمده اند که می‌توان به مقالاتی هم چون «محدودیت‌های اصل شفافیت در قرآن و حقوق موضوعه»، بررسی حقوق آگاهی مردم بعنوان یکی حقوق اساسی و «شفافیت اسنادی و حقوق دسترسی آزاد به اطلاعات» اشاره کرد. با بررسی آثار مذکوره و منابع دیگر متوجه خواهیم شد که هرکدام از آنها تنها به بخشی از اصول حاکم بر گردش اطلاعات اشاره کرده و یا اینکه بحث تطبیقی در این خصوص صورت نرفته است. براین اساس مقاله درصدد آن است که کلی گویی و عدم نگاه تطبیقی را که نقص اکثر آثار است را از بین برده و به صورت موردی و با نگاه تطبیقی به مبانی و اصول حاکم بر گردش آزاد اطلاعات بپردازد.

اصول حاکم بر گردش آزاد اطلاعات

۱- آزادی بیان

آزادی از پسندیده ترین آرمان‌ها است که از دیرباز مورد توجه انسان بوده است که از سوی روشنفکران و اندیشمندان جامعه بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است و حتی افراد متعددی در طول تاریخ جان خویش را در این راه فدا کرده اند.

تامین آزادی به گونه ای از پایه‌های عقیدتی و معرفتی هر نظام سیاسی محسوب می‌شود که مکاتب سیاسی، نه تنها تامین آزادی را برای مردم دغدغه اولیه خویش می‌دانند، بلکه در راستای توسعه آزادی مورد نظر خویش به دیگران، مکاتب و نظام‌های دیگر را به سبب ناتوانی در تامین آزادی‌ها، متهم و محکوم کرده و از این قضیه به عنوان نقضی در نظام سیاسی رقیب، یاد می‌کنند؛ حتی نظام‌های استبدادی نیز درصدد هستند براساس الگوی مفهومی خاص و در راستای مبانی هنجاری معین، خود را در زمره طرفداران آزادی محسوب کنند (ایزدی، ۱۳۹۲، ۱۰).

این آزادی را یکی از آزادی‌های بنیادین بشر دانسته‌اند و گفته شده که «آزادی اطلاعات و آزادی بیان یکی از



تبعات آزادی بیان است؛ زیرا در صورت اعتقاد به آزادی بیان و ملزومات آن می‌توان به اطلاعات دسترسی پیدا کرد و گفتگوها و مناظره‌ها صورت می‌گیرد که این خود همان گردش آزاد اطلاعات می‌باشد. (عسکری، ۱۳۸۳، ۸۲).

در بند الف ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره ۱۹۹۰) ضمن اصل قرار دادن آزادی بیان بر آن نیز استثنایی وارد کرده است و اعلام می‌دارد: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند».

در بند الف ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز آمده است: «هر کس دارای حق آزادی بیان می‌باشد. این حق شامل آزادی داشتن عقیده، دریافت و رساندن اطلاعات و اندیشه بدون مداخله مقامات دولتی و بدون توجه ملاحظات مرزی ... است».

ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق بین‌المللی مدنی و سیاسی در این باره بیان می‌دارد: «۱- هر کس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد. (حفظ کند). ۲- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن (آرایش) بطور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا به هر وسیله دیگری که خود انتخاب می‌کند، می‌باشد. ۳- اعمال حقوق ارائه شده در بند ۲ این ماده که همراه با وظائف ویژه و مسئولیت‌ها می‌باشد، ممکن است که تابع محدودیت‌های معینی قرار گیرد. این (محدودیت‌ها)، فقط باید بنا به ضرورت‌های ذیل و بوسیله قانون انجام گیرد: الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگران ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی».

۲- شور و مشاوره

انسان موجودی اجتماعی است که خواسته‌های او جز با همکاری و تبادل نظر فکری دیگران برآورده نمی‌شود. نوآوری‌های بزرگ، حاصل کمک و هم‌فکری انسان‌ها با یکدیگر است.

تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در جنبه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی زمانی دقیق‌تر و درست‌تر خواهد بود که افراد صاحب نظر در تنظیم آن بیشتر شرکت کنند و از نظر خواهی و تبادل اندیشه‌های گوناگون بهره‌گرفته شود. برخورد اندیشه‌ها به صورت صحیح و پیوسته، می‌تواند نارسایی‌های تصمیم

حقوق بنیادین بشر و زیر بنای همه آزادی‌هایی است که ملل متحد نسبت به آن اهتمام می‌ورزند (هاشمی، ۱۳۸۴، ۳۵۰).

آزادی بیان در نظام اسلامی تضمین شده است. حتی این موضوع از نظر اسلام و حکومت اسلامی چیزی فراتر از آزادی است. از این رو اسلام اظهار نظر و انتقاد را از جمله فرائض می‌داند، نه جزو حقوق و آزادی‌ها؛ زیرا هرگاه انسانی چیزی را دید که ناروایی آن آشکار باشد، چنانچه مجال باشد بر او واجب است که در مورد آن سخن بگوید و هشدار دهد. (قرضایی، ۱۳۹۰، ۸۴). حکومت اسلامی در طول تاریخ خود بستر رشد و شکوفایی مکتب‌های علمی و فکری گوناگون بوده است. مکتب‌های گوناگون: کلام، فقه، تفسیر و فلسفه و ... ضمن آن که با هم اختلاف داشتند، در کنار یکدیگر زیسته و به بحث و گفتگو می‌پرداختند (همان، ۸۵).

آزادی بیان در نظام سیاسی اسلام، یکی از رفتارهای سیاسی نخبگان و احزاب در راستای اثرگذاری بر تصمیمات و عملکردهای دولت و دولتمردان، مورد توصیه و تاکید قرار می‌گیرد که مواردی از این توصیه‌ها را می‌توان در آموزه‌های دینی در قالب: «نصیحت به ائمه مسلمین» (کلینی، ۱۳۶۷: ج ۱: ۴۰۳) «امر به معروف و نهی از منکر» و «اظهار کلمه حق نزد امام جائر» (همان: ۵ / ۶۰) مشاهده کرد که از آن به آزادی بیان، قلم و مطبوعات تعبیر می‌شود (ایزدهی، همان: ۲۶).

حضرت علی^(ع) در این باره می‌فرمایند: «بر من گمان مبرید که اگر حرف حق بگویم، پذیرفتنش بر من سنگین و دشوار است، و خیال نکنید که من می‌خواهم که بزرگم شمارید؛ چه، آن کسی که شنیدن سخن حق و یا نمایاندن عدل بر او سنگین آید، اجرای حق بر او سنگین‌تر می‌نماید.» (محمدری شهری، ۱۳۷۹: ج ۱۰: ۴۶).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۴ نشریات و مطبوعات را به شرط رعایت مبانی اسلام در بیان مطالب آزاد می‌گذارد و همین‌طور در اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز به موضوع آزادی بیان در صدا و سیما این گونه پرداخته شده است: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تامین گردد».

امروزه این گرایش مورد توجه قرار گرفته و افراد بیشتری اعتقاد دارند که حق دسترسی و گردش آزاد اطلاعات از



مشورت است، پس دیگر والیان و حاکمان اسلامی به طور قطع موظف به این کار هستند (طاهری و دیگران، ۱۳۹۸، ۸۶). اگر وجود ملاک و مناط این دستور در دیگر والیان احراز شود، امکان تنقیح مناط وجود دارد؛ در حالی که نمی توان با اطمینان گفت ملاک این دستورات چیست. آیا برای تصمیم گیری بهتر پیامبر در مسائل بوده است - که در این صورت در والیان غیر معصوم نیاز بیشتری احساس می شود و تنقیح مناط جاری است یا در راستای تألیف قلوب، یا به جهت پایه گذاری فرهنگ مشورت و یا دیگر وجوه قابل تصور بوده است و بر همین اساس، تنقیح مناط پذیرفتنی نیست. اما اگر خطاب آیه را تنها مختص پیامبر (ص) بدانیم (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲: ۳۲) لزوم مشورت والی در امور حکومتی، اقتضای مشاوره با عموم مردم را ندارد، بلکه مشاوره صحیح و معقول و منطقی، مشورتی است که با اشخاص دارای ویژگی های علمی - نفسانی همچون دانایی، خبرویت، تجربه، خیرخواهی، ایمان باشد.

از برخی اصحاب و اطرافیان آن حضرت نیز نقل شده است که هیچ کس را ندیدیم که بیشتر از رسول اکرم (ص) با اصحابش مشورت کند (زمخشری، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۳۲).

تشکیل شورای نظامی و نظر خواهی در جنگ ها، بارزترین مواردی است که در این زمینه می تواند مورد توجه قرار گیرد. جنگ بدر (سبحانی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۴۹۲)، جنگ طائف (همان: ج ۲: ۳۶۰) نمونه های روشن این شیوه حکومتی پیامبر اکرم (ص) است.

نکته مهم این است که حوزه مشورت با مردم و یا به تعبیر دیگر قلمرو دخالت و نفوذ رای آنان در امور سیاسی و اجتماعی محدود به رعایت الزامات و احکام قطعی و ثابت شرعی است؛ اموری که تکلیف آنها بنا بر حکم قطعی و تغییر ناپذیر خدا روشن شده است، قابل تجدید نظر با آرای عمومی نیست (نائینی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۸۳)؛ بنابراین مشورت تنها طرز اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی است (مکام شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۴۳). این نکته می تواند استثنایی بر اصل گردش آزاد اطلاعات باشد.

پس از دیدگاه اسلام و حقوق موضوعه استبداد رای ناپسند است و نمی توان دفاع از حکومت و حضور در صحنه را تکلیف مردم دانست ولی برای آنان حقی بر حکومت در نظر نگرفت، اگر مردم از آنچه در جامعه در حال وقوع است اطلاع نداشته باشند و

گیری و اجرا را از بین ببرد و نتایج به دست آمده را هرچه کامل تر و دقیق تر کند (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۶۸).

در معنای ریشه «شور» و «مشاوره» مفهوم استخراج، اعانه و کمک وجود دارد (اصفهانی، ۱۴۱۸، ق ۲۷۷). علامه محمد تقی جعفری (ره) ماهیت شورا را این گونه تعریف می کند: «مشورت، عبارت است از اجتماع عده ای از مردم آگاه و مطلع از موضوع و کاملاً مورد وثوق برای به دست آوردن حقیقت درباره آن موضوع که برای مشورت مطرح شده است» (جعفری، ۱۳۷۸، ۱۷). برخی از فقها اسلام را اولین نظام قانونی دانسته اند که ترغیب به مشورت کرده است (منتظری، ۱۴۰۸، ج ۲: ۳۱).

دین مبین اسلام برای شور و مشورت اهمیت ویژه ای قائل است، قرآن کریم یکی از امتیازات جامعه اسلامی را حرکت و عمل بر پایه مشورت دانسته و بر آن تأکید کرده و پیامبر اکرم (ص) را که معصوم بوده و مستقیماً از منبع الهی وحی می گیرد، مکلف به مشورت کرده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) نیز بر مطلوب دلالت دارد و مشارکت مستقیم و یا غیر مستقیم مردم در اموری که به آنان مربوط است در اسلام پذیرفته شده است و نیز آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و در کارها با آنان مشورت کن، پس آن گاه که تصمیم گرفتی با توکل به خداوند آن را انجام بده که خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد» (آل عمران: ۱۵۹).

این آیات با ترغیب به مشورت - به ویژه برای حاکم جامعه - شفافیت و آگاه سازی را از باب شرط لازم برای مشورت دادن ضروری می نمایند. زیرا مشورت دادن منوط به اطلاعات کافی مشاور پیرامون موضوع مشورت است.

آیه نخست در بردارنده امر به مشورت نبوده و به همین سبب، دال بر وجوب نیست. لذا بعضی از مفسرین از این آیه فضل مشورت را استفاده نموده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۵۱ و حویزی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۵۸۴) و برخی از فقها، از آن رجحان را برداشت کرده اند (نائینی، ۱۴۲۴، ج ۱: ۸۴ و اراکی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۳۷۳). آیه بعدی به سبب امر به مشورت، ظاهر در وجوب مشورت است. با این حال، اگر مخاطب این آیه شریفه تنها شخص پیامبر (ص) باشد، کما این که شهید صدر از جمله مختصات پیامبر (ص) را وجوب مشورت دانسته است (صدر، ۱۴۲۹، ج ۶: ۸۷). تعمیم آن به دیگر حاکمان اسلامی محتاج تنقیح مناط است و شاید به همین جهت، جمعی از محققین نوشته اند: چنانچه پیامبر مکلف به



حاکمیت به شفاف سازی دانسته اند تا از این طریق مردم به این فریضه مهم خود نسبت به موضوعات مختلف، جامه عمل بپوشانند.

لکن واضح است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر تکلیفی را متوجه مکلفین نسبت به دانستن اصل منکر و معروف نمی کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۳۶۶ - ۳۶۷) تا چه رسد که در صدد جستجوی مرتکبین منکر و تارکین واجبات باشند و از آن بعیدتر اینکه شخص سومی یا نهاد دیگری خود را موظف به اطلاع رسانی درباره وقوع جرایم بداند تا بر عهده دیگران وظیفه نهی از منکر منجر گردد. به علاوه، بحث، در شفافیت اطلاعات دولت است و نه بازتاب اخبار مفاسد و تخلفات متصدیان.

پیامبر اکرم ص زمانی که معاذ بن جبل را به یمن می فرستاد، در نامه ای به او دستور داد: «ای معاذ ... در مورد هر مساله ای که فکر می کنی درباره آن تو انتقاد خواهند کرد، پیشاپیش دلایل و توجیهات خود را برای مردم بازگو کن تا تو را معذور دارند» (شعبه الحرانی، ۱۳۶۳، ۲۴).

پیامبر اکرم ص در این زمینه می فرماید: «هر کس نسبت به امور مسلمانان بی توجه باشد، از آنان نیست و هر کس روز و شب کند در حالی که ناصح خدا، رسول، قرآن، امام و عموم مسلمانان نباشد از آنان نیست» (محمدری شهری، ۱۳۶۳، ۵۴).

یکی از رهنمودهای پیامبر ص در این زمینه این است که مسئولان با سعه صدر، گوش شنوایی برای درد دل های مردم داشته باشند. این به معنای درستی همه حرف ها، گزارش ها و نقدهای مردم نیست، اما روش خوبی برای ارزیابی صحیح اوضاع و اصلاح نابسامانی ها است. پیامبر ص خود چنان به این شیوه پایبند بود که گروهی از کور باطن های منافق آن را عیب پنداشته و بر ایشان خرده می گرفتند که او خوش باور و دهن بین است و هر کس هرچه بگوید باور می کند.

عبدالله بن مسعود می گوید: مردی به حضور پیامبر اکرم ص رسید ولی از عظمت ایشان تحت تاثیر قرار گرفت و نتوانست سخن بگوید. رسول خدا ص با مهربانی به او فرمود: «راحت باش. من که پادشاه نیستم، من فرزند زنی هستم که گوشت مانده خشک شده می خورد» (حکیمی، ۱۳۶۰، ۴۷).

اقدامات حاکمان از دیده ها پنهان باشد، مردم قادر به ایفای نقشی معنا دار در امور اجتماعی نخواهند بود، لذا وجوب مشورت و مشارکت مردم در اداره امور مستلزم ارائه اطلاعات و آگاهی آنان از امور جامعه است.

۳ - حق نظارت

«نظر» در لغت، به معنای مشاهده کردن، با دقت نگاه کردن، رسیدگی و تفکر کردن، داوری کردن، محاکمه کردن، قیاس کردن، فرمان دادن و نظارت کردن آمده است (معروف، ۱۹۹۲، ۸۱۷).

نظارت در حقوق اساسی بررسی و ارزشیابی کارهای انجام شده یا در حین انجام و انطباق آنها با تصمیمات اتخاذ شده و همچنین قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف تعریف شده است (قاضی، ۱۳۷۵، ۲۵۲). در معنای عام و در اصطلاح حقوق عمومی نیز نظارت را چنین تعریف می کنند: کنترل و بررسی اقدامات یک مقام و نهاد حکومتی از سوی مقام و نهادی دیگر که غایت آن حصول اطمینان از باقی ماندن اقدامات یاد شده در حدود و ثغور قانونی است؛ بی آنکه مقام یا نهاد ناظر در اداره امور مداخله مستقیم داشته باشد (راسخ، ۱۳۸۸، ۲۱).

نظارت همانند شور و مشاوره یکی از حقوق شهروندی است که زمینه مشارکت در حوزه های مختلف اعم از سیاسی و اجتماعی را در پی دارد، باید دانست که نمی توان مشارکت مردم را به صورت محدود مد نظر قرار داد یعنی باید جهت داشتن یک نظام مردم سالار، به مردم حق مشارکت فراگیر و نظارت مستمر داده شود. مردم نه تنها باید حاکمان خود را انتخاب نمایند باید حق داشته باشند نسبت به عملکرد مدیران دسترسی داشته باشند و از آنها در خواست ارائه گزارش و اطلاعات لازم را بنمایند و مدیران هم با در نظر گرفتن مصالح و امنیت سیاسی و اجتماعی اطلاعات لازم را در اختیار مردم قرار دهند. در مقابل مردم هم وظیفه دارند که واقعیت ها را به صورت صادقانه به مسئولان گزارش دهند و آنها را در این زمینه در قالب خیر خواهی نصیحت نمایند.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) همچنین آیات امر به معروف و نهی از منکر را از آن جهت که شرط امر به معروف و نهی از منکر، آگاه بودن از وقوع منکر و ترک معروف است، دلیلی بر ملزم نمودن



حق دانستن این مفروضه مهم را در خود دارد که آدمیان اساساً موجوداتی خردورز، دارای قوه داوری و قادر به تشخیص صلاح خویش هستند و از همین رو حق دارند از چند و چون تصمیماتی که با سرنوشت آنان ارتباط دارد آگاه شوند. بر این اساس، هرگونه رفتار قیّم مابانه و مخفی کارانه نافی این اصل بنیادین است (سعیدی، ۱۳۸۱، ۸۷).

براساس آموزه‌های دین اسلام مردم بعنوان محرمات حاکمیت، حق دارند که از رویدادها آگاه باشند، مگر اطلاعات امنیتی که بنا به ضرورت باید مخفی بماند.

یکی از مستندات فقهی در این زمینه روایتی است که براساس آن حضرت علی (ع) در نامه ای خطاب به فرماندهان نظامی می‌نویسد: «آگاه باشید که شما بر من این حق را دارید که هیچ رازی را از شما پنهان ننمایم و کاری را جز احکام شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم: (نهج البلاغه: نامه ۹۰)

در ارتباط با مقوله دادرسی نقل شده که حضرت علی (ع) در مسجد کوفه به قضاوت میان مردم می‌پرداختند (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۵۹۲). در باب مساله بیت المال نیز حضور مردم، هنگام تقسیم نقل شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۳۱).

حضرت علی (ع) نه تنها این حق را به رسمیت می‌شناخت، بلکه مردم را نیز به استفاده از آن تشویق می‌کرد. این جمله معروف حضرت علی (ع) که «از من بپرسید پیش از آن که مرا نیابید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۱۱۷)؛ چون به صورت مطلق بیان شده بیان کننده سؤال از امام در حوزه‌های مختلف از جمله امور علمی، معنوی و هم چنین حوادث سیاسی و اجتماعی می‌تواند باشد.

امام رضا (ع) در مورد دلایل وجوب نماز جمعه می‌فرماید: «جمعه روز حضور همگانی است و به همین دلیل خواسته اند تا امام ... مردم را به مصلحت دین و دنیای خود آگاه کند و آنان را از حوادث و امور مهمی که منافع و مشکلاتی در پی دارد با خبر سازد» (حکیمی، ۱۳۶۰، ۴۲۲).

می‌توان حق آزادی اطلاعات را وسیله و مقدمه ای بر حق آگاهی عمومی دانست. رشد فکری در هر حکومت مردمی یکی از ضروریات به حساب می‌آید.

حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «اگر خواص کار نادرستی را پنهانی انجام دهند، خداوند عامه را به دلیل کار نادرست آنان عذاب نمی‌کند، اما اگر آن منکر علنی انجام شد و مردم به رغم آگاهی، سکوت کرده و از آن جلوگیری نکردند، هر دو گروه سزاوار مجازات الهی هستند». آن حضرت به این گفتار از رسول خدا^ص استناد فرموده که می‌فرماید: «گناه پنهانی تنها به کننده اش زیان می‌رساند، اما اگر آشکار شد و بر آن نشوریدند، به همگان ضرر خواهد رساند» (جبیعی عاملی، ۱۳۶۷، ق، ۴۰۷).

براساس چنین مبانی است که می‌توان اعلام داشت که نقد و اعتراض علنی به وضعیت نامطلوب شرایط اجتماعی و سیاسی، در هیچ نظام سیاسی به اندازه اسلام وجود ندارد چنان که استاد مطهری^{ره} در این باره می‌فرماید: «از جمله خصوصیات اسلام این است که، به پیروانش حس پرخاشگری و مبارزه و طرد و نفی وضع نامطلوب را می‌دهد. جهاد، امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟ یعنی اگر وضع حاکم نامطلوب و غیر انسانی بود، تو نباید تسلیم بشوی و تمکین بکنی، تو باید حداکثر کوشش خود را برای طرد و نفی این وضع و برقراری وضع مطلوب و ایده آل‌ها به کار ببری (مطهری، بی تا، ۵۵)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل هشتم آورده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت».

۴ - حق آگاهی

حق آگاهی در مفهوم مضیق آن، آزادی در جستجوی اطلاعات می‌باشد و در مفهوم موسع آن حق دسترسی به اطلاعات یا حق دریافت اطلاعات است. حق آگاهی برای هر شخص حقیقی و حقوقی قابل اعمال است. کسب اطلاعات شرط لازم برای ایفای نقش اساسی بوسیله مردم است که از طریق مشارکت در تصمیم گیری مخصوصاً با حق تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنان رابطه مستقیم دارد (حبیبی، ۱۳۸۲، ۶۷).

در پیرامون این مطلب شهروندان باید حق دسترسی به صادقانه ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی را داشته و آزادی مطبوعات، چاپ و نشر و ایجاد موسسات انتشاراتی جزء لاینفک اینگونه آزادی‌ها است. شاید این مفهوم فقهی در اینجا به کار آید که اذن در شیء اذن در وسایل و مقدمات آن نیز می‌باشد (همان: ۹۲).



از داشتن عقیده خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در آخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

ضمن تاکید بر حق آگاهی مردم، باید دانست که بر این اصل استثنائاتی وجود دارد که در قوانین و اسناد بین المللی نیز به اشاره شده است. ماده ۱۱ توصیه نامه اصول ژوهانسبورگ ضمن قبول حق کسب اطلاعات بیان می‌دارد: «هرکس حق کسب اطلاعات از مقامات دولتی را داراست؛ از جمله اطلاعات در ارتباط با امنیت ملی. هیچ محدودیتی بر این حق را نمی‌توان بر پایه امنیت ملی تحمیل کرد؛ مگر آنکه حکومت بتواند اثبات کند که محدودیت را قانون تجویز کرده است و اعمال آن برای این که جامعه دموکراتیک بتواند از مصلحت مشروعیت امنیت ملی دفاع کند؛ ضروری است.»

۵- امانی بودن اطلاعات

بعد از این که حق آگاهی و نظارت مردم بر اساس آموزه‌های اسلامی و حقوق موضوعه بررسی شد، حال این سؤال پیش می‌آید که این حقوق برچه مبنایی استوار است و چرا مردم می‌توانند انتقاد و اعتراضات را آزادانه بیان نمایند و از جریان امور اجتماعی و سیاسی آگاهی داشته باشند. پاسخ به این پرسش، منوط به آن است که مشخص شود دستگاه حاکمیت با چه دیدی به توده مردم می‌نگرد؟ آیا مردم را برده و مملوک خود می‌داند؟ و یا این که آنها را صاحب حق، و خود را امین و وکیل مردم می‌داند؟

مرحوم نائینی (ره) حکومت را بر دو نوع تقسیم کرده است: تملیکیه و ولایتیه.

الف: حکومت تملیکیه همان حکومت دیکتاتوری است که در آن، حاکم مردمان و دارایی‌های کشور را در حکم برده و ثروت شخصی خود می‌داند.

ب: حکومت ولایتیه که براساس قهر و سلطه و اراده شخصی استوار نیست، بلکه بر اقامه وظایف و مصالح عمومی مربوط به نظم و حفظ کشور مبتنی است و اعمال حاکمیت نیز محدود و مقید به همان وظایف و مصالح است (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۳، ۲۶۰).

ایشان حکومت ولایتیه را قبول داشته و در این خصوص می‌فرماید: «رجوع حقیقت سلطنت اسلامی، بلکه در

این مبحث در بند دوم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید قرار گرفته و «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر» را از وظایف دولت می‌داند.

در اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حق آگاهی مردم اشاره شده و در آن آمده است: «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود...».

اصل ۱۶۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمن اذعان به شفافیت و علنی بودن محاکمات جهت تنویر افکار عمومی، استثنایی نیز به دنبال آن آورده است و بیان می‌دارد: «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلا مانع است مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی و یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوی تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.»

آموزش هم می‌تواند از ارتباط تنگاتنگی با آزادی اطلاعات و حق آگاهی عمومی برخوردار باشد که دراسناد مهم بین المللی حقوق بشر، حق آموزش مورد توجه قرار گرفته و قانون اساسی نیز این مهم را در بند دوم اصل سوم و اصل سی ام مطرح کرده است.

در همین راستا ماده ۵ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۱ یکی از اصول کلی حاکم بر برنامه‌های صدا و سیما را کمک به گسترش آگاهی و رشد جامعه در زمینه‌های گوناگون به عنوان یک دانشگاه عمومی بر می‌شمارد.

در ماده ۵ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ نیز آمده است: «کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد، با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.»

موارد ۱۶ تا ۱۹ همین قانون بر انعکاس اخبار صحیح از سراسر دنیا به شرط عدم مبیانت با اسرار نظامی، تهمت به افراد، گروه‌ها و نهادها، اصول اخلاقی و غیره تاکید دارد.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که



۶- نهی از کتمان علم

« کتمان » در مقابل آشکار کردن است که عبارتست از پنهان ساختن آنچه در باطن است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۲۴).

از اصولی که لزوم آزادی بیان را تثبیت می‌کند حرمت کتمان علم و لزوم بیان حقائق برای مردم است. قرآن کریم در آیات متعددی این امر را مورد نکوهش قرار داده و دیگران را از آن نهی کرده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره: ۱۵۹)؛ نکوهش و سرزنشی که به سبب پنهان داشتن آنچه خدا از کتاب آسمانی نازل کرده است بیان شده است، مقصود از آن در وهله اول اهل کتاب است. لیکن مدلول نص عام، شامل اهالی همه ملت‌هایی می‌گردد که حقی را که می‌دانند پنهان می‌دارند و با چنین کتمان‌های بهای کمی‌را به چنگ می‌آورند. این بهای کم ممکن است نفع شخصی باشد که بدان عشق می‌ورزند و برای رسیدن به آن، حق را پنهان می‌دارند، یا این بهای کم شاید همه دنیا باشد، که با آن چه از خوشنودی خدا و پاداش آخرت که از دستشان بدر می‌رود، مقایسه گردد، بهای کم و چیز بس ناچیزی است (سید قطب، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۳۰ - ۴۲۹).

از آنجا که تکامل یک جامعه در گرو دانایی افراد آن می‌باشد خداوند نیز از دانشمندان جامعه تعهد گرفته است که حقایق را از مردم پوشیده ندارند. «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ» (آل عمران: ۱۸۷) توجه به ماده «تبیین» در آیه فوق، نشان می‌دهد که منظور تنها تلاوت و یا نشر کتب آسمانی نیست، بلکه منظور این است که حقایق آنها را آشکار در اختیار مردم بگذارند تا به روشنی همه توده‌ها از آن آگاه گردند و آنها که در تبیین آیات کوتاهی کنند، مشمول همان سرنوشتی هستند که خداوند در این آیه و مانند آن برای علمای یهود بیان کرده است، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۳۷) این خود دلیل مهمی برای اهمیت این مطلب می‌باشد.

خداوند در موارد متعدد از کسانی که از روی هوس یا ترس و طمع به کتمان حق و خود سانسوری روی می‌آورند

جميع شرايع و اديان، به باب امانت و ولايت احد مشتركين در حقوق مشترکه نوعيه، بدون هيچ مزيتي براي شخص متصدي ... از اظهار ضروريات دين اسلام و بلکه تمام شرايع و اديان است » (نائینی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱: ۷۱). این امانتی بودن از دو جهت است، از یک سو امانت الهی است؛ زیرا که حاکم و رئیس دولت اسلامی خلیفه خدا و جانشین پیامبر^ص است و او وارث این امانت می‌باشد. و از سوی دیگر حکومت بر مردم و دیعه و امانت مردم در دست زمامداران است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۹۸).

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)، خداوند شما را فرمان می‌دهد که امانات را به اهلیش بازگردانید و عدالت را درباره مردم به پا دارید. این آیه دستوری آشکار به ادای امانات به صاحبانشان است و همانگونه که بسیاری از سرمایه‌های در اختیار حاکمیت، جنبه مالکیت عمومی دارد. حاکمیت باید در نگهداری و ادای آن به صاحبانش مراعات امانتداری را نماید، کما اینکه امیرالمؤمنین (ع) خطاب به مأموران جمعآوری خراج فرمودند: «إِنَّمَا خَزَانُ الرَّعِيَةِ وَوَكَلَاءُ الْأُمَّةِ» (نهج البلاغه: نامه ۵۱). و از آنجا که حقوق متعلق به این ثروت‌های عمومی در تملک صاحبان آن است (محقق داماد، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۲۵ و مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۳۶) و از جمله حقوق طبیعی تابع هر مالی، حق آگاهی مالکان از نحوه مصرف آن توسط امانت داران و وکلا است - که از آن به «تعلق مالکیت اطلاعات به مردم» یاد می‌شود - حاکمیت باید اطلاعات مرتبط با این سرمایه‌ها را در اختیار عموم مردم بگذارد.

حضرت علی (ع) در نامه معروفش به کارگزاران آذربایجان این مساله را مد نظر داشته و هشدار می‌دهد که: «مبادا بپنداری حکومتی به تو سپرده شده است، طعمه و شکاری است که به چنگ آورده ای؛ خیر، امانتی است که بر گردنت نهاده شده و تو تحت نظارت مقام بالاتر هستی و نمی‌توانی به استبداد و دلخواه در میان مردم رفتار کنی» (نهج البلاغه: نامه ۵).

با توجه به نصوص مذکور، روشن می‌شود که همه تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات حکومت به صورت امانی از سوی مردم و برای حفظ مصالح آنان می‌باشد، نتیجه چنین اقداماتی آن است که حکومت در راستای عهده داری این امانت مردم را از جریان امور آگاه سازد و در صورت مطالبه مردم که همان صاحبان امانت هستند باید زمینه‌های تحصیل اطلاعات را برای آنان فراهم سازد.



است که با اطلاعاتی که دولت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، به آن‌ها امکان می‌دهد تا از آن چه دولت‌ها انجام می‌دهند، آگاه شوند (یزدانی، ۱۳۸۸، ۵۰).

از پیش فرض‌های نظام مردم سالار، وجود اجتماعی است که در آن انسجام وجود دارد. رشد و دوام هر اجتماع دموکراتیک بستگی بسیار به روح وحدت و احساس مشترک اعضای آن دارد. هرچه شدت عمق و آگاهی در اجتماع کمتر شود، دموکراسی در آن اجتماع از اطمینان کمتری برخوردار خواهد بود (ضمیری، ۱۳۸۹، ۱۹۵).

انسجام اجتماعی شکلی از ارتباط است که در آن گروهی از مردم توانایی و مهارت تشریک مساعی را نشان می‌دهند؛ به گونه ای که فضا برای تغییر به وجود می‌آورد. لازمه تشریک مساعی و مشارکت، داشتن زبان مشترک و تفسیر مشترک از مفاهیم کلیدی است؛ به نحوی که بیانگر این مساله است که فرایند مشارکت و ایجاد و بقای انسجام اجتماعی نمی‌تواند جز در یک فضای شفاف شکل بگیرد. برای موثر بودن مشارکت و شفاف بودن فضا نیاز به داشتن آگاهی و اطلاعات است تا مردم آگاهانه در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت نمایند (همان).

شفافیت، به عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب، از آن رو اهمیت دارد که جلب اعتماد عمومی به نظام حاکم، بدون وجود آن امکان پذیر نیست. در واقع، وجود شفافیت شرط لازم برای کسب اعتماد عمومی نسبت به دستگاه حاکم و شیوه اداره کشور است.

در همین ارتباط، کمیسرین حقوق بشر سازمان ملل متحد طی قطعنامه ای ویژگی‌های اساسی حکمرانی خوب را شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون، و انعطاف پذیری می‌داند (زارعی، ۱۳۸۳، ۱۶۲).

شفافیت و شفافیت‌گرایی، از مقوله‌های مورد تأکید و توجه در آموزه‌های دینی است و مفهوم «احتجاب» مورد نکوهش قرار گرفته است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۵۰۱).

شفافیت، به عنوان یک ابزار قصد دارد روابط میان مقامات عمومی و عامه را توسعه دهد تا میان اطلاعات ایجاد شده توسط دولت و آنچه در اختیار شهروندان است توازن قوی برقرار نماید، تا این امر زمینه‌های برای تحقق دموکراسی و مشارکت مردم در اداره امور کشور باشد. زیرا اطلاعات یکی از حیاتی‌ترین مسائل برای بقای دموکراسی است. اگر مردم از آنچه در جامعه در حال

نکوهش کرده و خواستار تبیین حقایق شده است. «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۱)؛ چرا حق را با باطل پوشانده و آگاهانه به کتمان حق روی می‌آورید. هم چنین کسانی را که از ادای شهادت سرباز زده و به اختفای حقایق می‌پردازند ظالم ترین مردم معرفی نموده است: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۴۰).

آیه دیگری که از کتمان حق نهی می‌کند، آیه ۴۲ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

خداوند، کتمان و احتکار دانش را بسیار ناپسند می‌داند و برای محکوم دانستن، عذاب بسیاری در نظر گرفته است. رسول اکرم^ص می‌فرماید: «هر مردی که خداوند به او دانشی دهد و او آن را با این که می‌داند مخفی نگه دارد در روز قیامت درحالی که لگامی از آتش بر او زده شده است، خداوند عز و جلّ را دیدار کند» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۳۷۷).

لذا اصل اولی بر لزوم بیان هر دانشی در زمینه معارف و حقایق دینی است که موجب شناخت درست دین و سبب پیشگیری از انحراف در دین است. در نتیجه آیات فوق شفافیت را به صورت مطلق نتیجه نمی‌دهند و تنها شفاف سازی آن دسته از تصمیمات، قوانین، معاهدات، قضاوتها و ... حاکمیت را ضروری می‌نمایند که مرتبط با شناخت راه حق و یا موجبات انحراف در دین و احکام دینی است (خردمند، ۱۳۹۸، ۶۶).

با تدبر در نصوص مذکور می‌توان بیان داشت که هر صاحب علمی که از ارائه علم و اطلاعات خویش که متضمن حقی است نسبت به دیگران خودداری ورزد، مرتکب عمل منہی عنہ شده است و این نهی از کتمان علم دارای حکم عامی است که مشمول حکومت نیز می‌شود که براساس آن مکلف به ارائه اطلاعات به شهروندان می‌باشد. براین اساس اصل اولی در زمینه تبیین و شناخت درست دین که سبب پیشگیری از انحراف در دین می‌شود بیان هر دانشی در زمینه معارف و حقایق دینی است و این خود زمینه اعتماد سازی بین مردم و متولیان امر خواهد شد.

۷ - شفافیت

شفافیت، مفهوم وسیعی است که در بخش‌های مختلفی اعمال می‌گردد، در علم سیاست، شفافیت، به معنای این



در مواردی نیز برای این که مبدا زندگی خصوصی ایشان موجب بدگمانی را فراهم آورد اطلاع رسانی می‌کرد. نقل شده که یکی از اصحاب، پیامبر اکرم^ص را در حالی که در کنار درب منزلی همراه با زنی ایستاده بود، مشاهده می‌کند و آن صحابی پس از سلام، از کنار آنها عبور می‌کند، پیامبر اکرم^ص آن صحابی را فرا می‌خواند و می‌فرماید: «این زن، همسر من است.

صحابی عرض کرد یا رسول الله، مگر می‌شود به شما سوءظن داشت؟ پیامبر اکرم^ص فرمودند: همان شیطان مانند خون در تن آدمی جریان دارد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۸: ۳۸۰). بر این اساس است که فقها بیان داشته اند که اگر رفتار شخصی، هرچند موجه، ظاهراً برخلاف گفتار او باشد، در صورتی که بیم آن برود که آن رفتار شک و شبهه دیگران را برانگیزد، لازم است در مورد آن وجه مشروع را توضیح دهد تا مبدا دیگران را دچار وسوسه شیطانی ننماید (جبعی عاملی، ۱۴۰۹، ق. ۱۸۵).

اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این موضوع اشعار دارد که: «دارائی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضاییه رسیدگی می‌شود که خلاف حق افزایش نیافته باشد». این موضوع در کنوانسیون مبارزه با فساد آمده، بارها از کشورهای عضو می‌خواهد که شفافیت عمومی را به طور کلی (بند ۱ ماده ۵) و همچنین باز بودن مسائل مربوط به کارگزاران عمومی و نحوه تامین مالی نامزدهای انتخاباتی (بند ۳ ماده ۷) و شفافیت تامینات و بودجه‌های عمومی را تضمین می‌کند.

کنوانسیون مذکور در بند الف ماده ۱۰، کشورهای عضو را به تضمین شفافیت دولتی فرا می‌خواند و بیان می‌دارد: «هر کدام از کشورهای عضو، لازم است در تشکیلات دولتی خود تدابیری را که برای تقویت شفافیت ممکن است ضرورت داشته باشد، انجام دهند؛ نظیر اتخاذ مراحل یا مقرراتی که به صورت متناسب و با ملاحظه حفاظت از حق خلوت و داده‌های شخصی به اعضای جامعه، اجازه تحصیل اطلاعات پیرامون تشکیلات، عملکرد و فرآیندهای تصمیم گیری پیرامون اداره عمومی کشور و تصمیمات و اقدامات قانونی ای که به جامعه، ارتباط دارد را فراهم سازد».

وقوع است، اطلاع نداشته باشند و اقدامات حاکمان از دیده‌ها پنهان باشد، مردم قادر به ایفای نقشی معنادار در امور اجتماعی نخواهند بود. (زندیه و سالار سروی، ۱۳۹۲، ۱۲۲)

در همین ارتباط حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر چنین می‌فرماید: «پنهان بودن از شهروندان طولانی نگردد، چرا که پنهان بودن زمامداران از شهروندان، شاخه ای از کم اطلاعی و تنگخویی است، و پنهان شدن شهروندان، زمامداران را از دانستن آنچه از آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس کار بزرگ نزد آنان خرد به شمار آید و کار خرد، بزرگ نماید؛ زیبا زشت شود و زشت زیبا شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ۴۷۳).

شفافیت در کارها هم چنین می‌تواند هرگونه سوءظن نسبت به فرد را برطرف کند و این موضوع در مورد رهبران و دستگاه حاکمیتی ارزش بالایی دارد.

بر این اساس حضرت علی (ع) خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «اگر مردمان بر تو گمان ستم برند، عذر خود را آشکارا با آنان در میان گذار و با این کار ایشان را از بدگمانی بیرون آر، که بدین رفتار، خود را به تربیت اخلاقی خوی داده باشی و با مردمان مدارا کرده و با عذری که می‌آوری، بدانچه خواهی، می‌رسی و آنان را به راه حق درمی‌آوری (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

هر جا صراحت و شفافیت پس زده شود و قراردادهای پیمانها، روابط و مناسبات در پس پرده قرار گیرد و اجازه ورود به روشنایی و نور در این عرصه‌ها داده نشود، خلاف، خیانت میدان رشد می‌یابد؛ اما در فضای صراحت و شفافیت، این امور به حداقل می‌رسد. در عرصه صراحت و شفافیت است که سیاست و حکومت به درستی نقد می‌شود، اصلاحات معنا می‌یابد و رشدها حقیقی می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۱، ۱۲۶).

رهبریت پیامبر اکرم^ص سرشار نیز از شفافیت در کارها بوده است. نقل شده که پیامبر^ص در زمان ترک مکه و قصد عزیمت به طرف قبیله هوازن، اداره امور شهر را به «عتاب بن اسد» سپردند و چون پیامبر^ص احتمال نگرانی و بروز انتقاداتی را می‌دادند، اطلاع رسانی می‌کنند و فضایل ایشان را برمی‌شمارند و تاکید می‌کنند که مبدا کسی بخاطر سن کم او یا او مخالفت کند؛ زیرا که شایستگی افراد وابسته به سن آنان نیست، این گونه پیامبر اکرم^ص حدس و گمان‌ها و انتقادات بعد از خود را جواب می‌دهند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۱۲۳).



اطلاعات از نظر اسلام با قوانین موجود در حقوق موضوعه
و مسائل مستحدثه مطروحه در جهان امروز بوده است.

سیاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه به خاطر حمایت
حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری
می‌شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله
و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.

۷- منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- الف (فارسی
- ایزدهی، سید سجاد، « مبانی آزادی و الزامات آن در عرصه سیاسی »،
مجله مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، ش ۳۲، ۱۳۹۲.
- جعفری، محمد تقی، شورا و مشورت، گردآوری: محمد رضا جوادی، تهران:
دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- حبیبی، محمد حسن، « بررسی حق آگاهی مردم بعنوان یک حق اساسی »،
مجله حقوق اساسی، سال اول، ش ۱، ۱۳۸۲.
- خردمند، محسن، « جایگاه فقهی شفافیت اطلاعات حکومت اسلامی »،
نشریه حکومت اسلامی، ش ۹۲، ۱۳۹۸.
- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۸، بنیاد دائرة
المعارف اسلامی تهران، ۱۳۸۳.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم، دفتر نشر
معارف، ۱۳۹۱.
- راسخ، محمد، نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران، انتشارات
دراک، ۱۳۸۸.
- زارعی، محمد حسین، « حکمرانی خوب حاکمیت و حکومت در ایران »،
نشریه مجلات تحقیقی حقوقی، ش ۴۰، ۱۳۸۳.
- زندیه و سالار سروی؛ حسن و حسن، « شفافیت اسنادی، و حق دسترسی
آزاد اطلاعات »، فصلنامه گنجینه اسناد، بهار ۱۳۹۲.
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۲، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۳.
- سعیدی، پدرام، رحمانی زاده دهکردی، حمیدرضا؛ « شفاف سازی و
پاسخگویی در نهادهای رسمی »، نشریه مجلس و راهبرد، ش ۳۶، ۱۳۸۱.
- سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی، تفسیر فی الظلال القرآن، ج ۱، ترجمه
مصطفی خرم دل، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۸.
- ضمیری، عبدالحسین و حامد نصیری، رضا، « حکمرانی مطلوب و نقش
شفافیت در تحقق آن »، مجله پژوهشنامه علوم اجتماعی، ش ۵۲، ۱۳۸۹.
- عسکری، پوریا و وکیل، امیر ساعد، نسل سوم حقوق بشر (حقوق
همبستگی)، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۳۸۳

۶- نتیجه گیری

امروزه گردش آزاد اطلاعات و حق دسترسی
شهروندان به اطلاعات لازم از حقوق بنیادین شهروندی و پایه‌های
اساسی مردم سالاری به شمار می‌آید، که در نظام‌های حقوقی
مختلف جامعه جهانی به آن توجه شده است. جستجو و بررسی در
منابع معتبر فقهی، نشان دهنده این مطلب است که اسلام به عنوان
تامین حقوق و آزادی‌های انسان، نیز به این امر اشعار دارد و این امر
از نكوهش و مذمت کتمان علم بر اساس آیات قرآن کریم، اجازه
اظهار نظر حتی به مخالفین و نصیحت به ائمه مسلمین، تشکیل
شورای نظامی و نظرخواهی در جنگ‌ها از سوی پیامبر (ص)، نامه
حضرت علی(ع) به فرماندهان در خصوص مخالفت با پنهان کاری
مگر در موارد خاص امنیتی و جنگی و ... نمایان است.

در نظام حقوقی ایران نیز، اصول مختلف قانون اساسی از
جمله ؛ اصل سوم، با اشاره به تکلیف دولت جهت تحقق مشارکت
مردم در عرصه‌های مختلف، اصل ششم که اشاره به اداره امور کشور
به اتکای آرای عمومی دارد، اصل هشتم، نظارت مردم بر دولت در
قالب امر به معروف و نهی از منکر، به طور ضمنی بر ضرورت آزادی
اطلاعات تاکید دارند و دیگر منابع حقوقی مربوط به حقوق
شهروندی مصوب نیز، هرکدام به صورتی به گردش آزاد اطلاعات
اشاره دارند که مهمترین آنها « قانون انتشار و دسترسی آزاد به
اطلاعات » مصوب ۱۳۸۸ است.

اسناد معتبر بین المللی حقوق بشری، از جمله اجازه
اظهار نظر به هرکس در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ماده
۱۹ کنوانسیون حقوق بین المللی مدنی و سیاسی، حق کسب
اطلاعات در ماده ۱۱ توصیه نامه اصول ژوهانسبورگ و دیگر اسناد
به طور ضمنی به این امر اشعار دارند .

حال با بررسی و تتبع در منابع معتبر فقهی حقوقی

می‌توان به اصول و مبانی حاکم بر گردش آزاد اطلاعات
اشاره کرد که عبارتند از: آزادی بیان، شور و مشاوره، حق
نظارت، حق آگاهی، امانی بودن اطلاعات، نهی از کتمان
علم و شفافیت. هدف از بیان این اصول هفت گانه، در
واقع ایجاد تطابق و تامل بیشتر مبانی گردش آزاد

Journal of

Modern Jurisprudence and Law

Homepage: <http://www.jaml.ir>





Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
Second Year, Seventh Issue, Pages
107-126

Principles governing the free flow of information in Islam and subject law

• **majid vaziri**

Assistant Professor, Jurisprudence and Islamic law Group,
Islamic Azad University Central Tehran, Tehran, Iran

• **jabar mohammadi**

MS, Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Islamic Azad
University Central Tehran, Tehran, Iran

Abstract

Today, free access to information is one of the undisputed principles of democracy that contributes to the realization of the concept of citizenship and has been specified in credible international instruments.

In Islamic jurisprudence and Iranian law, this right was accepted with the approval of the law "Dissemination and free access to information". According to the law, public and private institutions are obliged to provide solid information to citizens, except in exceptional cases. Accordingly, the main question in the article is what are the principles and principles governing the dissemination and free access to information in Islam and the subject law? Which has been analyzed by descriptive-analytical method and referring to library sources, and based on this, some principles have been obtained: freedom of expression, counseling, right of supervision, right of knowledge, trustworthiness of information, prohibition of concealment of knowledge and Transparency.

Keywords: information, free circulation, freedom of expression, monitoring, transparency.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology -
International Law - Private Law

* Corresponding author: jabarmohammadi@gmail.com